

قضیه بیخ پیدا کرد ...

قضیه پسر آه‌کش

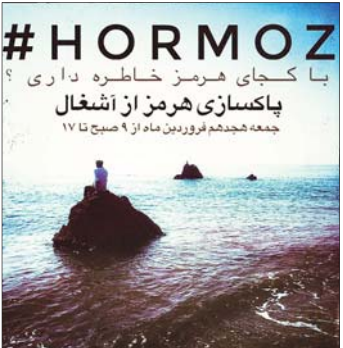


پوریا عالمی

بود یک پسری، گل‌پسری، تاج سری در ده‌شان / که ریاضی بلد بود تا یکان و دهگان و صدگان / توی ده به او کسی نمی‌گذاشت محل / او هم بیشتر اوقات افتاده بود توی دُشکَشِ دمر / نگاه می‌کرد به سقف و آه می‌کشید / کاری هم بلد نبود جز گاهی که خیلی حرفه‌ای خمیازه می‌کشید / این قدر نگاه کرد به سقف و کشید آه / که آخر سقف هم کرد او را نگاه / توی سقف یک پشه‌ای جا کرده بود خوش / ناگهان به صدا درآمد آن‌هم با صوتی خوش / رو کرد به پسر قضیه ما / گفت «درودها بر تو باد ای «پدر جهانی آه» / چرا دمر افتادی و خشک و خالی آه می‌کشی؟ / آن‌هم وقتی دقیقاً روی سکوی پرشی؟ / بلند شو و برو از آه کشیدن نان دریاور / اگر دیدی حال داد کمی هم پول دریاور / برو آه بکش مگو چیست آه / که سرمایه هر آه‌کشی است آه» / وقتی شد تمام حرف‌های پشه / پسرک فکر کرد عادی نیست و هست نشئه / پسرک گفت «آیا داری با من می‌زنی حرف؟ / یا من از حال رفته‌ام و کرده‌ام کف؟ / کی دیده که بزند حرف یک پشه با آدم زمینی؟ / آن‌هم چه حرفی؟ حرف‌های کارآفرینی؟ / پشه‌جان گرفتی ما را و حالت خوش است / خون کی را زدی که نشئه بوده است؟ / حتما هستی «های» تو، ای پشه / وگرنه نمی‌گفتی به من؛ توی آه کشیدم پُر از پول Cash کنشه» / وقتی تمام شد حرف‌های پسرک / پشه پا شد آمد دوتا نیشش زد و گفت «چقدر وول می‌خوری کمی بتمرگ» / پسرک تا خورد از پشه‌هه نیش / متوجه شد قضیه جدی است و مسخره‌بازی نیس / پشه گفت: «تو پیشرفت می‌کنی دومرحله‌ای / به شرطی که نباشد توی کارت دیگر گله‌ای / پاشو، پاشو برو به پایتخت ای پسرک / در مرحله اول بنشین سر چهارراه چه کنم / هر کی رد شد بگو بدهد به تو یک پول و پَله / وگرنه آهی می‌کشی که طرف ناگهان بشود جزاله / دست‌آخر واقعا تو بکش آه / شوری که طرف بیفتد توی چاه / این‌طوری همه از تو خواهند رسید / از فردا پول می‌ریزند به حسابت بدون تردید / این بود مرحله اول که باید توش بشوی قوی / در مرحله دوم می‌روی کاندیدا می‌شوی...» / اوه‌اوه... قضیه دارد می‌شود بیخ‌دار / ما برویم پیش از آنکه برویم بیخ دیوار...

خبر خوب

جمعه؛ روز هرمز بدون زباله



● در یکی، دو سال اخیر پس از اجرای پرفورمنس فرش خاکی، جزیره هرمز برای مردم بیشتر شناخته شده و از نقاط مختلف کشور بیشتر به این مکان سفر می‌کنند تا یکی از مهمترین جزایر کشور را از نزدیک دیده و با زندگی مردمان بومی، حیات وحش و طبیعت بکر آن آشنا شوند.

در جشنواره فرش خاکی هر سال با استفاده از خاک‌های رنگی این جزیره آثاری دیدنی طراحی شده است. در کنار این مسئله، البته بی‌توجهی مردم هرمز و مسافران سبب شده طبیعت آنجا پر از زباله شود و فارغ از منظره‌های زشت، به عاملی برای تخریب محیط زیست و تهدید جیبرها (نوعی آمو) تبدیل شده است. متأسفانه این مسئله با توجه به تعداد زیاد مسافران نوروزی به مسئله حادی تبدیل و سبب شده جمعی از علاقه‌مندان دست به کار شوند و فراخوانی برای «جمعه روز هرمز بدون زباله» منتشر کنند. قرار است از ۹صبح روز جمعه هرمز را از زباله‌ها پاک‌سازی کنند. در متن منتشرشده اشاره شده شاید هرکدام از ما با بخشی از جزیره هرمز خاطره داشته باشیم، مهم نیست کجا؛ چه ساحل فرش، چه کوه سفید، چه ساحل محیط زیست، چه معدن و تک‌درخت و هر جایی که با دوستانمان خاطره مشترک داشته باشیم. جمعه (۱۸ فروردین) به انتخاب خودمان نقطه‌ای از جزیره هرمز را که به آن تعلق خاطر داریم، انتخاب و از آشغال پاک‌سازی می‌کنیم. بخش پایانی برنامه نیز جمع‌شدن در ساعت ۱۶ در ساحل اسکله و کمک به پاک‌سازی آن است. علاقه‌مندان با #hormozpak عکس‌هایشان را منتشر خواهند کرد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۹۶ • ۷ رجب ۱۴۳۸ • ۵ آوریل ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۸۳۲ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۱۹:۴۸ • اذان صبح فردا ۵:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۴۴

روزنفرها

کارتون خواب

علی میرایی
instagram.com/alimiraee



کارنامه

ارسال لایحه مساعدت اجتماعی به مجلس



سیدحسین موسوی چلک

رئیس انجمن مددکاران

یکی از انتظارات مردم از دولت‌ها در هر جامعه‌ای از جمله جمهوری اسلامی ایران، توجه به ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی برای آحاد مردم است، اما به‌دلیل وجود افرادی که از حداقل‌ها یا کمتر از حداقل‌ها از این شاخص‌ها برخوردارند، تأمین زندگی این افراد باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد. موضوعی که در دین مبین اسلام هم در قالب «تکافل اجتماعی» از وظایف والی اسلامی قلمداد شده است. شاید به‌همین دلیل است که در چند اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در اصول بیست‌ویکم و بیست‌ونهم (که از مسئولیت‌های رئیس‌جمهور اجرای این قانون است) بر این موضوع تأکید شده است. در اصل بیست‌ویکم تصریح شده که دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد:

- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

- حمایت مادران، به‌ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

اعطای قیومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبود ولی شرعی.

همین‌طور در اصل بیست‌ونهم این قانون بر برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی،

بی‌کاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی،

دراهم‌اندگی، حوادث، سوانح و نیاز به خدمات

تمام پدر و مادرها خوشحال می‌شوند

فرزندانشان بعد از بزرگ شدن و ترک

منزل، بازهم پیش آنها برگردند؛ حتی

اگر فرزندان یک کانگورو باشد.

گیلیان آپوت به‌عنوان یک فعال

محیط زیست و امدادگر، هنگامی که

«رو» - کانگورو - دوماهه بود، او را

از میان جنگل‌ها نجات داد. این کانگورو پتیم

یکی از اسباب‌بازی‌هایش یک عروسک

خرسی بود. دیلی‌میل مجموعه‌ای را

از عکس‌های این کانگورو و خرسش

منتشر کرده است. این کانگورو باز

هم به خانه بازگشته تا با این خرس

عروسکی بازی کند.



تکته

سلام به فردا

تلاش برای رفع زمینه‌های فساد



آذر منصوری

نگاهی به قانون اساسی ایران نشان می‌دهد، خردترین نهادهی که باعث می‌شود مردم در تعیین سرنوشت خود در محدوده شهرها حضور داشته باشند، نهاد شوراهاست. از این دریچه می‌توان شوراهای شهر را خردترین نهاد دموکراتیک در کشور دانست که با تشکیل آنها بخشی از روند مردم‌سالاری که مشارکت مردم را در خردترین لایه‌های خود نهانیده می‌کند باید از مسیر شوراها بگذرد. به عبارت دیگر می‌توان شوراها را آخرین حلقه واسط بین مردم و حاکمیت دانست که باید در توزیع عادلانه امکانات، بهبود فضای زیستی مردم در شهرها، جلب مشارکت آنها در ساختار قدرت شهر و... نقش ایفا کنند. بنابراین می‌توان شوراها را یکی از مهم‌ترین ارکان دموکراسی کشور دانست و از همین زاویه است که شرکت در انتخابات شوراهای شهر از اهمیت بالایی برخوردار است.

متأسفانه بی‌توجهی اصلاح‌طلبان به سطح اثرگذاری شورواها باعث شده که تاکنون این فرصت مغتنم مردم‌سالاری برای تقویت جامعه مدنی و روند دموکراسیزون جامعه کمتر مورد استفاده قرار بگیرد. نباید از یاد برد که به دلیل نقش شوراها در توزیع منابع و قدرت در شهرها، دیگر آنها یک نهاد صرف اجتماعی یا فرهنگی نیستند، بلکه علاوه‌برآن، یک نهاد سیاسی نیز به‌شمار می‌آیند و به‌همین دلیل در کنار نقش فرهنگی خود در شهرها، جایگاه اثرگذار و تعیین‌کننده‌ای هم در توزیع قدرت سیاسی دارند.

نگاهی به این چهار دوره که از عمر شوراهای شهر گذشته، نشان می‌دهد که اثرگذاری سیاسی آن انکارنشدنی است و به نظر می‌رسد باید به طور همه‌جانبه به این نهاد مدنی توجه شود تا اهداف روند اصلاحات در جامعه تأمین شود.

از آنجایی که در آخرین دوره شوراهای شهر، در پایتخت شاهد بروز حوادث تلخی چون پلاسکو به نظر می‌رسد که حساسیت مردم نسبت به این نهاد مدنی و پیچیدگی‌های نظارت آن بر شهرداری‌ها و زمینه‌های فساد و رانتی که ممکن است در این نهاد

مشتری کافه خیابان وسط

ملاقات با وقت قبلی!



مهرداد جتئی

دست‌راستی زنگ زد که از مسکو برگشته تا برای انتخابات ثبت‌نام کند. پرسیدم شورای شهر؟ گفت ریاست‌جمهوری. اول می‌خواستم جا بخورم. بعد دیدم دیگر شنیدن این حرف‌ها جابخوردن ندارد. اصلاً بنا نیست از چیزی جا بخورم. پس بی‌خیال جابخوردن شدم و پرسیدم: برای کاندیداتوری برنامه‌ای داری؟ با اعتمادبه‌نفس گفت: البته که دارم. پرسیدم: خب؟ گفت: هر کاندیدایی یارانه را بالا برد، من از او ۵۰ هزار تومان بیشتر می‌دهم. بقایي گفته ۲۵۰ هزار تومان، من می‌گویم ۳۰۰ هزار تومان. اگر او گفت ۳۰۰، من می‌گویم ۴۰۰. اگر او گفت ۳۵۰، من می‌گویم ۴۰۰. اگر او گفت... حرفش را قطع کردم و گفتم: کافی است، فهمیدم. جز این طرح، برنامه دیگری نداری؟ گفت: چرا! هر هفته سفر استانی می‌روم و برای مردم با کونی پول نقد می‌برم و به هرکس که دنبال ماشین دویدد مقداری پول می‌دهم. سعی می‌کنم اسکناس‌ها همه تازه باشند تا مردم خوششان بیاید. اسکناس کهنه دست کسی نمی‌دهم. باید شان مردم را رعایت کرد. کسی که وقت می‌گذارد و از ساعات اول صبح می‌آید پیشواز باید احترام ببیند. باید دلگرم شود. نباید کاری کنیم که او دل‌سرد شود. گفتم: متوجه شدم. به غیر از توزیع پول با گونی می‌خواهی چه کنی؟ قدری فکر کرد و گفت: پول نفت را می‌برم سر سفره مردم. مردم باید سهمشان از نفت را بگیرند. من اجازه نمی‌دهم سهم مردم صرف کارهای دیگر شود. سهم آنها یک راست باید به دستشان برسد. حتی که روز هم نباید در بانک مرکزی یا خزانه بماند. مردم حق دارند حقوقشان را از ما مطالبه کنند. ما باید به حقوق آنها احترام بگذاریم و حقشان را به آنها برگردانیم.

پرسیدم: غیر از نقدینگی و یارانه و پول نفت، چیز دیگری هنوز هست؟ گفت: مسکن. می‌خواهم همه را صاحبخانه کنم. می‌خواهم کاری کنم که در انتهای دوره ریاست‌جمهوری‌ام هیچ‌کس بی‌خانه نماند. به همه یک خانه می‌دهم. برای نسل‌های بعد هم خانه می‌سازم. اجازه نمی‌دهم در پایان دوره من اجاره‌نشینی باقی بماند. به همه کلید یک خانه می‌دهم.

پرسیدم: برنامه‌ات همین بود؟ با تکبر گفت: نه. تصمیم دارم آموزش را از مقطع ابتدایی تا دکترا رایگان کنم. در دوره من اجازه نمی‌دهم از احادی شهریه گرفته شود. برای همه فرصت یکسان تحصیل فراهم می‌کنم.

تبعیض آموزشی را برمی‌چینم تا برای همه فرصت برابر فراهم شود. جوان‌ها حق دارند هرطور که خواستند بگردند. در زمان ریاست من اجازه نمی‌دهم به لباس و موی جوان‌ها گیر بدهند. به کسی چه مربوط که جوان مردم چه می‌پوشد؟ ما موش چه شکلی است؟ پرسیدم: باز هم هست؟

گفت: درباره سیاست خارجی هم برنامه‌هایی دارم. گفتم: لابد گسترش روابط با روسیه؟

گفت: بوتین الگوی موفق‌ی است. او توانسته

کاخ سفید را مرعوب خودش کند. این کافی نیست؟ گفتم: برای همین از یک سال پیش

رفتی روسیه؟ گفت: انتظار نداری که به همه سوآلات جواب بدهم؟ از این به‌بعد باید با مدیر امور رسانه‌ای‌ام هماهنگ کنی. بعد هم بی‌خادحافظی گوشتی را گذاشت.

یادداشت فردا

ماراتنی برای پیروزی بر ماراتن تبعیض

معماری شهری بیشترین لطمه و ضربه را به آمدوشد آنها وارد کرده. زنان و دختران سختکوش و ورزشکاری که بدون حضور آنها چهره واقعی ایران مخدوش است. چنین رویدادی امکان حضور و شرکت فراگیر زنان و دختران ایرانی را در عرصه‌های همگانی ورزشی فراهم آورده است؛ چه در مقام تماشاگر و چه در مقام شرکت‌کننده. حضوری شاد و پرامید و نیروبخش. بُعد دیگر این رویداد، بعد گردشگری است. تهران زیبای فروردین‌ماه، با هوای بی‌نظیرش، چهره دل‌فریب و جذابی را هم برای خود تهرانی‌ها و هم برای شرکت‌کنندگان خارجی نشان خواهد داد و جاذبه‌ای برای گردشگری خواهد شد و کسی چه می‌داند؟ شاید سیاست‌گذاران شهری را هم متقاعد کند که صنعت گردشگری بسیار سودآورتر از صنعت تخریب محیط زیست شهری، به سود سرمایه‌داری مستغلات و املاک، است. وقتی که رویداد ورزشی بزرگی در کشوری رخ می‌دهد، شیب می‌شود با شناخت نارسایی‌های موجود، زیرساخت‌های ورزشی آن کشور تقویت شود.

در این صورت، اهمیت فضای سبز و فضاهای امن ورزش همگانی که دو و پیاده‌روی مادر آن است، برجسته خواهد شد. ایرانی‌ها و تهرانی‌ها با چنین رویدادی با بازکردن آغوش گرم خود بر میهمانان ایرانی

و خارجی، چهره صلح‌طلب و پذیرای ملیت‌ها و اقوام گوناگون خود را هرچه بیشتر نشان خواهند داد و سرمایه‌ای برای صنعت گردشگری به‌طور کلی و گردشگری ورزشی فراهم خواهند آورد؛ صنعتی که هم سودآور خواهد بود و هم توجه به محیط زیست را به ارمغان خواهد آورد زیرا گردشگری، بدون جاذبه‌های محیط‌زیستی امکان‌پذیر نخواهد بود.

امید که حضور ورزشکاران همه کشورها، به‌ویژه ورزشکاران آمریکایی، تسهیل و تشویق شود تا دوستی میان ملت‌ها راه را بر تقویت سیاست‌های نژادپرستانه ترامپی و ژان ماری لوپونی ببندد و راهی شود برای حذف تبعیض‌های گوناگون و نیز ستم بر محیط زیست. اندکی بعد از تهیه این یادداشت در خبرها اعلام شد که مسیر ماراتن تهران برای بانوان از فضای عمومی در سطح شهر و فارغ از جنبیت به دویسند دور دریاچه آزادی و غیره محدود شد. بی‌تردید شادی بسیاری از زنان با شنیدن این تغییر از بین می‌رود. این مطلب سعی داشت به اثرات مثبت حضور بی‌تبعیض اشاره کند.

است. بسیار اهمیت دارد. فضایی که باعث شد سران بسیاری از کشورهای نامن و یاربرگر سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و محیط‌زیستی، نخست‌اینکه سیاستن استراتن هلندی، مبتکر این برنامه، هدف از برگزاری این مسابقه را توجه جهانیان به ایران و شناخت فرهنگ ایرانی اعلام کرده است. این به فضایی‌که، به گفته دبیر کل سازمان ملل، امثال ترامپ گفتمان‌های جهانی را به سوی نژادپرستی می‌برند و به گمان من، هیولای شفا‌فاشسم در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان جانی تازه گرفته

است. پرخاشگر. پس فضای شادمانه ورزش همگانی و دو ماراتن در خیابان‌های تهران، در کنار دوندگان زن و مرد عمدتاً بریتانیایی، آمریکایی و آلمانی و هلندی و کشورهای دیگر تصویر پرزگی از امنیت و شادی صلح را نشان می‌دهد؛ تصویری که دیری است در میان خشونت‌ها و فجایع منطقه رنگ باخته است.

جنبه فرهنگی بسیار مهم‌تر دو همگانی در خیابان‌های تهران، رویدادی که تاکنون در چنین ابعاد عظیمی رخ نداده بود، به نوعی به‌رسمیت‌شناختن حق شهروندان پیاده به شهر تهران و بازگرداندن این حق به آنهاست. حقی که یکی، دو دهه است با سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت شهری نادرست به‌شدت انکار شده؛ مدیریتی که با حذف و اشغال پیاده‌روها، برای برج‌سازی در معابر یاریک، عملاً، عابر بدون ماشین را تحقیر کرده است.

و از آن مهم‌تر اینکه این‌ حق برای زنان و دختران نیز که جمعیت عابران پیاده بیشتر از آنها تشکیل شده است، به رسمیت شناخته شده؛ زنان و دخترانی که نادیده‌گرفتن امنیت عابران پیاده در برنامه‌ریزی‌ها و

پرسیدم: برنامه‌ات همین بود؟ با تکبر گفت: نه. تصمیم دارم آموزش را از مقطع ابتدایی تا دکترا رایگان کنم. در دوره من اجازه نمی‌دهم از احادی شهریه گرفته شود. برای همه فرصت یکسان تحصیل فراهم می‌کنم.

تبعیض آموزشی را برمی‌چینم تا برای همه فرصت برابر فراهم شود. جوان‌ها حق دارند هرطور که خواستند بگردند. در زمان ریاست من اجازه نمی‌دهم به لباس و موی جوان‌ها گیر بدهند. به کسی چه مربوط که جوان مردم چه می‌پوشد؟ ما موش چه شکلی است؟ پرسیدم: باز هم هست؟

گفت: درباره سیاست خارجی هم برنامه‌هایی دارم. گفتم: لابد گسترش روابط با روسیه؟

گفت: بوتین الگوی موفق‌ی است. او توانسته کاخ سفید را مرعوب خودش کند. این کافی نیست؟ گفتم: برای همین از یک سال پیش رفتی روسیه؟ گفت: انتظار نداری که به همه سوآلات جواب بدهم؟ از این به‌بعد باید با مدیر امور رسانه‌ای‌ام هماهنگ کنی. بعد هم بی‌خادحافظی گوشتی را گذاشت.

کوچک‌ترش اسباب‌بازی خریداری کند. این‌گونه بود که شروع به کشیدن نقاشی کرد و با امضای «فروش نقاشی با یک دلار» آن را عرضه کرد.

هنگامی که مادرش عکسی از او را با این نقاشی در منزل‌شان در فیس‌بوک قرار داد، در کمتر از نیم‌ساعت ۳۰ نفر درخواست کردند تا برایشان نقاشی بکشد و این‌گونه او توانست هزار دلار



درآمد کسب کند.

برای او به‌عنوان یک فرد مبتلا به اُتِسم این رفتار آغاز مسیری پر از مهربانی و شفقت شده است. او جزه داوطلبان یکی از خیریه‌های مشهور شده که با کشیدن نقاشی، برای افسران غذای گرم خریداری می‌کند یا با فروختن موهایشان می‌توانند به دیگران عشق اهدا کنند.